



## یادداشت

## اشرافیت حاکم و اشک تمساح برای نان قسطی بخورها!

صادق کار



صفحات رسانه‌های متعلق به جناح‌های مختلف حکومتی از اصلاح طلب گرفته تا اصولگرا و محافظه کار مدتهاست که پر است از گزارشات و تحلیل‌های مختلف راجع به گرانی و تورم، بیکاری، بی پولی و درماندگی قریب سه چهارم مردم کشور در تامین معیشت و مخارج اولیه زندگی خود. در همه این نوشته‌ها از وضع موجود که دم به دم هم وخیمتر می شود ظاهراً ابراز ناخرسندی می شود و معمولاً هم انگشت اتهام به سوی رقبا در قدرت نشانه میرود و هیچ اشاره‌ای به ماهیت سیاستهای ی جانبدارانه حکومت نمی شود. در عین حال ارگانها و نهادهای مختلف حکومتی که همگی در تعیین و تصویب این سیاستها مشارکت داشته و همچنان هم دارنده حاضرند سهم خودشان در این قضایا را بپذیرند و نه خود را مقصر می دانند. با وجود این اما هنوز هم حاضر نیستند تغییری در ستمگیری و سیاستها و رویه‌های تاکتونی شان که جامعه را به فلاکت و درمانگی کشانده است بوجود آورند. پرداختن به خرید نان قسطی توسط عده‌ای از قربانیان سیاستهای حاکم در این رسانه‌ها و انتشار مطالبی از این دست و اشک تمساح ریختن برای نان قسطی بخورها از جمله موضوعات مطرح در این قسم از رسانه‌هاست. این مطالب در حالی منتشر می شوند، که دولت همچنان به سیاستهای فقرزا و فلاکت بارش ادامه می دهد، مجلس لوایحی را تصویب می کند که تنها به تشدید بحران و وخیمتر شدن وضعیت مردم و کشور و بقای تحریم‌های فلج کننده منجر می شود. به برنامه بودجه سال آینده کشور و مصوبات مجلس جدید وقتی نگاه می کنیم می بینیم که تغییری در بنیان سیاستهای دولت و مجلس بوجود نیامده و در بر همان پاشنه ای که از زمان رفسنجانی شروع شد و با تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی که به فرمان خامنه‌ای انجام گرفت تسریع شد می چرخد. اینها همه مویید آن اند که نوشته‌های این رسانه‌ها بنوعی به قصد سرکار گذاشتن مردم، فرار از مسئولیت و تلاشی بیش برای به انحراف بردن افکار عمومی از ریشه و پشت پرده‌های مشکلات و بحران‌ها و کنترل رفتار مردم در جهت اهداف جریانات حکومتی نیست. اگر نه می بایست در عمل نشانه‌هایی از تغییر سیاستهای جناح‌های حکومتی که کنترل این رسانه‌ها را در دست دارند به چشم می خورد.

با این همه مردم هر روز که می گذرد بیش از پیش به این واقعیت که حکومت در انحصار و مدافع منافع یکی دو درصدی‌های جامعه است و تا زمانی که قدرت را در اختیار دارند حقوق و منافع ۹۹ درصدی‌ها را به هیچ



خواهد گرفت پی می برند و فریب تبلیغات مزورانه هیچ یک از جناح های شریک در قدرت و اشک تمساح ریختن شان را دیگر نمی خورند.

آری ماهیت واقعی حکومت فقها برای اکثریت قاطع مردم بطور تمام و کمال روشن شده است و این واقعیت چنان عریان شده که حتی رهبر حکومت هم چون قادر به کتمان آن نیست به توجیه و تئوریزه کردن آن روی آورده است. اگر رفسنجانی بنیان های اشرافیت اسلامی را بعد از استقرار حکومت بنا نهاد و تلاش کرد آن را شرعی و جا بیندازد، خامنه ای آن را حاکم کرد.

مظاهر زندگی اشرافی رهبران و کارگزاران رنگارنگ حکومت از آخوند های حکومتی گرفته تا سرداران سپاه و حجم عظیم دارایی ها و ثروت های آنها را دیگر کسی قادر نیست از دیدگان مردم فقرزده و نان قسطی بخور پنهان کند. بهمین جهت رهبر حکومت با تعریف تئوریک تازه ای که از "مستضعف" و کسانی که مشمول آن می شوند چندی پیش ارائه داد کوشید سلطه اشرافیت فاسد و مافیایی حاکم بر کشور را توجیه شرعی نماید! با این همه مردم هر روز که می گذرد بیش از پیش به این واقعیت که حکومت در انحصار و مدافع منافع یکی دو درصدی های جامعه است و تا زمانی که قدرت را بطور انحصاری در اختیار دارد حقوق و منافع ۹۹ درصدی ها را به هیچ خواهد گرفت پی می برند و فریب تبلیغات مزورانه هیچ یک از جناح های شریک در قدرت و اشک تمساح ریختن شان را دیگر نمی خورند و بجای آن به مبارزه جدی با عوامل فلاکت شان روی می آورند.

در یکشنبه گذشته در حالی که ده ها اعتصاب و اعتراض کارگری و اجتماعی در اعتراض به سیاست های عدالت ستیزانه دولت و حکومت در جریان بود، هزاران بازنشسته تامین اجتماعی نیز که اثرات سیاست های حکومت آنها را از تامین حداقل معیشت محروم نموده در ۱۱ شهر به دعوت تشکلهای مستقلی که خود محصول و بازتاب نارضایتی و اعتراض بازنشستگان هستند برای اعتراض به خیابان آمدند تا نشان دهند که دیگر فریب گفتار و وعده های عوامل حکومتی را نمی خورند و می خواهند برای ستاندن حق شان به طریق موثرتری مبارزه کنند. آری تا زمانی که حکومت در دست یک درصدی هاست بهبودی در وضعیت وخیم معیشتی و زندگی طاقت فرسای زحمتکشان را نباید انتظار داشت. حتی اگر توان خرید نان روزانه چنان از مردم سلب شود که آنها مجبور به خرید نان قسطی بشوند. و در عمل نیز مشخص شده است که مقامات دولتی در جمهوری اسلامی گذشته از اینکه از کدام باند و جناح هستند هیچگاه حتی در زمانی که سیل درآمدهای نفتی بسوی کشور روان بوده است نه تنها به وعده هایی که به مردم داده اند عمل نکرده اند، بلکه خلاف آنها رفتار کرده اند. بارزترین نمونه آن دولت احمدی نژاد بود که با وعده آوردن پول نفت بر سر سفرهای مردم بر مسند ریاست جمهوری نشست ولی وقتی که دوره اش تمام شد، سفرهای مردم تهی تر از پیش شده بود. علت فقری که کار مردم را به خرید نان قسطی کشانده در واقع سیاست های جانبدارانه و عدالت ستیزانه حکومت است. حالا هم اختلاف بین روحانی و دارودسته اصلاح طلب و اعتدالی اش با خامنه ای، قالیباف، مجلس، موتلفه، رئیسی و احمدی نژاد بر سر تغییر جهت سیاست های یک درصدی ها بسوی و سود ۹۹ درصدی ها نیست، بر سر سهم و موقعیت سیاسی گروه بندی های سرمایه دارانی است که هر یک از آنها آن را نمایندگی می کنند. بهمین جهت برای مردم مهم نیست که کدام یک از این جناح ها کنترل دولت آینده را از آن خود نماید.

## به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



## اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پساکرمایه داری" بخش سیزدهم

آدام بوث



این نکته در مورد اقتصاد "شراکتی" نیز صادق است. مثلاً شرکت "زیپکار" (Zipcar)، که یک شرکت "شراکتی" و از پیشاهنگان اقتصاد شراکتی است، اوایل سال ۲۰۱۳ توسط آویس (Avis) که یک شرکت عظیم چندملیتی اجاره ماشین است، خریده شد. این در حالی است که شرکتهایی مثل ایربی ان بی خود را به عنوان پلاتفرمهایی برای مردم عادی جا می زنند، که از طریق واسطه گری در اجاره اتاق خالی اندک پولی نصیب شان می شود. تحقیقی در باره فعالیت ایربی ان بی در نیویورک نشان داد که حدود ۵۰ درصد درآمد این شرکت از اجاره املاک زمینداران بزرگ به دست آمده است. به همین سیاق سه چهارم کسب و کار شرکت ایربی ان بی متوجه اجاره خانه های بزرگ و کاملی است که اجاره آنها مشخصاً خارج از استطاعت مردم عادی و درآمد حاصل از اجاره این خانه ها هم چیزی غیر از "پول توجیبی" است.

اکنون میست در مقاله ای در این باره، سلطه کسب و کار بزرگ بر اقتصادهای طبق درخواست و "شراکتی" را چنین برجسته کرده است:

آنچه در ابتدا یک مدل جدید "مزاحم" به نظر می رسد، همان گونه که پیشتر بارها اتفاق افتاده است، در نهایت با مدل های موجود درمی آمیزد و مورد استقبال قرار می گیرد. تیم اورایلی O'Reilly Tim از رسانه اورایلی، پژوهشگر پرسابقه تحولات اینترنتی چنین می گوید که ادغام چنین شرکتهایی اجتناب ناپذیر است. او می افزاید: "وقتی پای بازارهای جدید گشوده می شود، در ابتدا غالباً دموکراتیک تر از آن اند که در نهایت خواهند بود. ایده اجاره از یک شخص به جای یک شرکت ناشناخته، باقی خواهد ماند، ولو که دیگر از ایده آلیسم اولیه آن، به صورت اقتصاد واقعاً شراکتی، دیگر هیچ نشانی باقی نمانده باشد."

اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست شبهه عدم تمرکز را به بار می آورند، به دلیل جوهر ظاهراً نفر به نفر آن، به دلیل آن که کار به یک "خویش فرما" سپرده می شود، به دلیل این که تعامل (بده بستان) از طریق یک اپ انجام می شود. اما واقعیت این است که این بازارها همچنان تحت تسلط انحصارات اند. به علاوه، اگرچه ظاهر



امر مستقیم و نفر به نفر است، اما، مثل هر کسب و کار غظیم دیگری، حجم عظیمی از برنامه ریزی متمرکز صورت می گیرد: برنامه ریزی تولید داخلی برای بالا بردن کارآئی، کاهش هزینه ها و افزایش سود. ان هم یکی از آن تناقضات پوچ سرمایه داری است: سطح عالی برنامه ریزی در زمینه کار، زیرساخت، باقی منابع، و البته همگی برای سود، در درون هر شرکت، و آنارشی کامل در مناسبات بین شرکتها، در ارتباط با تخصیص منابع در مقیاس اجتماعی؛ امری که به "دست ناپیدای بازار" سپرده می شود. مثل هر شرکتی که به دنبال سود است، طبعاً برنامه ریزی و تمرکز در انحصارات بزرگ اقتصادهای "شراکتی" و طبق درخواست – مثل ایربی ان بی و اوبر – نیز وجود دارد. فرق این است که بیشتر کار این برنامه ریزی به یمن الگوریتمها و نرم افزارهای هوشمند اتوماتیک انجام می شود و توزیع جغرافیائی می شود. در اینجا هم باز برنامه ریزی صورت می گیرد، اما نه زیر یک سقف، قابل تشخیص و ملموس، چنان که در یک کارخانه یا اداره صورت می گیرد

از هر چه که بگذریم، این وضع پتانسیل بسیاری را آشکار می کند که برای برنامه ریزی کل اقتصاد به طریقی عقلانی و دموکراتیک وجود دارد؛ کافی است انحصارات از دست بخش خصوصی گرفته شوند و تحت مالکیت مشترک قرار گیرند. شرکتی مثل ایربی ان بی و خرگوش وظیفه شناس ثابت کرده اند که منطق وجودی تکنولوژی امروزی برنامه ریزی واقعاً دموکراتیک است که تولید است؛ تحقق واقعی اشتراک ثروت و منابع به طریقی مؤثر و منصفانه در جامعه است؛ برای آن که مردم عادی قادر به مشارکت مستقیم در امور جامعه باشند، بی آن که نیازی به یک دستگاه بوروکراتیک دولتی وجود داشته باشد.

به هر جا که نظر می اندازیم، می بینم که انحصارات بر زندگی ما مسلط شده اند. این شرکتی غول پیکر چندملیتی اند که تمام تصمیمات مهم را می گیرند. معرفی اینترنت، رسانه های اجتماعی، تلفنهای هوشمند و ... تغییر در این واقعیت به بار نیآورده اند. درست است که ما بیش از هر موقع دیگری در مناسبات شبکه ای گسترده تری قرار گرفته ایم، اما این شبکه ها هنوز هم در مالکیت و کنترل شرکتی بزرگ اند. فقط کافی است نظری به صنعت رسانه ها بیاندازیم، که در مالکیت اولیگارشها و تحت تسلط انگشت شماری شرکتی عظیم اند. علیرغم وفور بلاگها و رسانه های مستقل، اخبار و اطلاعاتی که دریافت می کنیم هنوز توسط مشتی گانگستر مثل موردوخ تولید می شوند.

در عین حال نابرابری رو به گسترش است و ثروت بیش از هر زمانی در دست عده معدودی متمرکز شده است. گزارش سازمان آکسفام حاکی از آن است که در پایان سال ۲۰۱۵ ثروت یک درصد ثروتمندترین افراد در سطح دنیا برابر ثروت باقی جمعیت کره زمین است.

این همه، تأیید قاطع تحلیل مارکس از سرمایه داری است: این تحلیل که قوانین و دینامیسم رقابت لزوماً به تمرکز و تراکم منجر می شوند. این تحلیل که گرایش ارگانیک بازار آزاد چرخش آن به نقطه مقابل اش، یعنی انحصار است. با وجود ادعاها دایر بر این که "کوچک زیباست"، جهان هنوز تحت سلطه "بزرگ" است.

پایان فصل دوم

## بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



اقتصاد دیجیتال: فضای مجازی و زمان نامحدود در شبکه بخش ۷

فصلی از کتاب "شرایط دیجیتال – مارکسیسم پسامدرن و تجربه زندگی دیجیتال" انتشارات دانشگاه وست  
مینستر-۲۰۲۰

راپرت حسن

ترجمه: گودرز



## جهانی شدن درون رو

جهانی شدن به سمت داخل (یا درون رو) ممکن است غیر متعارف دیده شود چرا که نشان دهنده شکل جدیدی از انباشت، از طریق یک بعد جدید از مکان است: فضای مجازی. من این جهانی شدن را از ماده و فرایند فیزیکی که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، متمایز می‌کنم. چرا که مجازی بیش از همه یک فضای فردی و ذهنی است، فضایی روانی که واقعیت جدیدش را می‌پذیریم، انگار که واقعی است: فضایی 'جادویی' که کم‌کم پدیدار شناسی آن را درک می‌کنیم یا بازاری می‌کنیم. 'وجود' آن به عنوان واقعیت به ما چیزی را می‌گوید که نوئل کاستری آن را به روایت هاروی 'تصورات جغرافیایی' می‌نامد، و عواقب آنچه که صادقانه باید به عنوان شکست تخیل در ماتریالیسم تاریخی جغرافیایی وی توصیف کرد.

پس از سال ۱۹۸۹ اتحاد جماهیر شوروی و اقتصادهای سابق پیمان ورشو به سرعت بازار جهانی را در آغوش گرفتند و این امکان را برای سرمایه ایجاد کردند که مقصدهای تازه‌ای برای سرمایه‌گذاری و انباشت داشته باشد. بازار چین اندکی پس از میدان تیانانمن گشوده شد و آن کشور تا سال ۲۰۱۸ بزرگترین میزبان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی غربی (FDI) بود. چین اما یک مورد اقتصادی متفاوت از مقصد های دیگر برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه می‌دهد. و این کار را به دو روش انجام می‌دهد: اول، کشور توسط حزب کمونیست اداره می‌شود و سرمایه‌گذاری غربی - و شرایط آن سرمایه‌گذاری - به شدت کنترل و تنظیم شده است. گذشته از این، فرهنگ گسترده فساد باعث می‌شود که آب و هوای سرمایه‌گذاری در چین مملو از سرمایه‌گذاران، به دور از سراسرستی، و همیشه از نظر جو سیاسی ناپایدار است. بالنتیجه چگونگی سرنوشت سرمایه‌گذاری در میان مدت تا طولانی مدت غیرقابل پیش‌بینی است. این به خودی خود منحصر به فرد نیست، بلکه نقطه مرکزی است و چیزی که چین را متفاوت می‌کند، این است که با رشد خود اقتصاد چین رشد کرده تا به دومین اقتصاد بزرگ برحسب

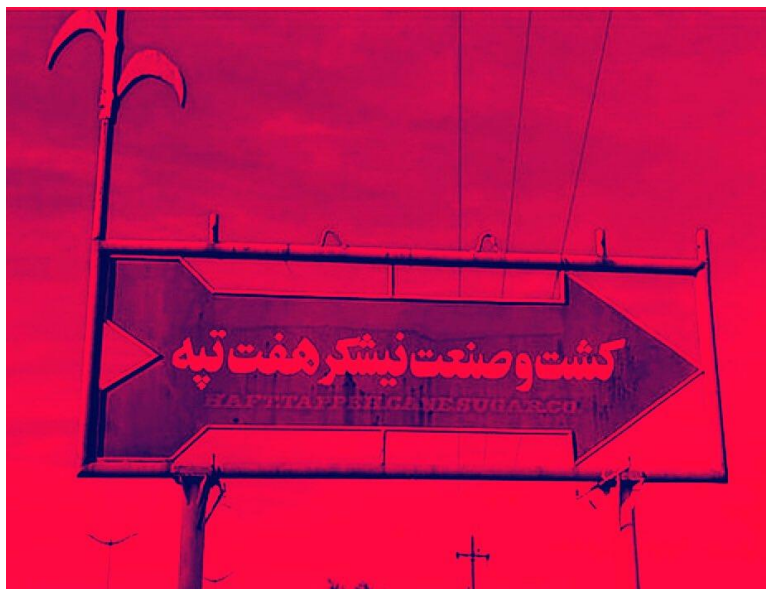




تولید ناخالص داخلی در جهان تبدیل شود. سپس انباشت داخلی خود چین مجبور شده است در جستجوی بی امان فرصت های جدید در جریان کاهش همیشگی فضای فیزیکی به مدارهای جهانی سرمایه بپیوندد.

در منطق هاروی و در زمینه تحولات سیاسی و اقتصادی پس از سال ۱۹۸۹ منطقی است استدلال کنیم که بحران جهانی و قطعی انباشت باید تا به حال رخ می داد. بنابراین می شد انتظار داشت دست سرمایه داری به طور جدی برای کسب سود از راه های کلاسیک کوتاه شود و ترک های جدی در سیستم باید ظهور کند. این سوال بالطبع ضروری شده است که به دلیل چیزی که مشکل قابل توجهی را برای یک تخیل جغرافیایی مبتنی بر مادی گرایی ارائه می دهد، یک فضای ضد واقعی باقی بماند: فضای مجازی به عنوان یک فضای پیش بینی نشده، فضایی بالقوه نامحدود، نه تنها برای ورود سرمایه بیش از حد تجمعی، بلکه به عنوان محرک منابع گسترده جدید انباشت پدیدار شده است. این همان جهانی شدن به سمت داخل است.

جهانی شدن به سمت داخل همچنین استثمار فضاهای موجود جامعه است، ورود به آن قلمروها از منظر فضا شناختی، مادی، فرهنگی، جایی که رابطه پول نقد با انباشت برای ساکن شدن کافی نبود اما اکنون جهانی شدن می تواند با منطق نئولیبرالیسم بازار و توانمند شده توسط فناوری دیجیتال وارد شود. معنای این توسعه این است که در زمینه تز فضایی هاروی، دیگر هیچ محدوده ذهنی یا واقعی برای سرمایه به گونه ای که او آن را تصور می کرد وجود ندارد و هیچ محدوده ذهنی یا واقعی نیز برای کالایی شدن آن فضای شبکه ای - یا افرادی که زندگی خود را در درون آن می گذرانند، وجود ندارد.



# خصوصی سازی را متوقف کنید!



## روز پرستار و تحفه رئیس نظام پرستاری برای پرستاران!

صادق



"محمد میرزا بیگی" رئیس سازمان پرستاری در نشست خبری که بمناسبت روز پرستار با رسانه ها انجام داد، خبر از کشته شدن ۱۰۰ پرستار در اثر کرونا و ابتلای حدود ۶۰ هزار نفر به کرونا و ۶ هزار نفر پرستار بیمار در قرنطینه خبر داده است.

او مجموع پرستاران مشغول در بالین بیماران کرونایی را ۱۴۵ هزار نفر اعلام کرده است. به عبارتی قریب ۴۰ درصد کل پرستارانی که از بیماران کرونایی مراقبت می کنند به این بیماری مبتلا شده اند که به احتمال قوی هم تعداد جان باختگان و هم مبتلایان باید از این آمار بیشتر باشد! علل آن هم روشن است و از طرف مسئولین برخی از سازمانهای رسمی پرستاران نیز قبلاً تأیید شده است. کمبود وسایل حمایتی و بهداشتی با کیفیت مناسب، شیفتهای طولانی کاری، کمبود پرستار، فشار کار و استرس فراوان. نا گفته پیداست که مسئولین وزارت بهداشت و درمان و صاحبان بیمارستانها و شرکتهای واسطه ای اجاردهنده پرستار و نیروی انسانی به دلیل ندادن امکانات حفاظتی مناسب و فشار مضاعف به پرستاران در افزایش تعداد جان باختگان و مبتلایان نقش غیر قابل انکاری دارند. در بسیاری از کشورها که مانند ایران پرستاران مشکلات مشابهی ندارند، درصد پرستاران جان باخته و مبتلا شده به کوید ۱۹ اگر حتی آمار رئیس سازمان پرستاری ایران را مد نظر قرار دهیم بسیار کمتر از ایران بوده است. این در حالی است که شمار بیماران کرونایی نیز در بعضی از کشورها حداقل از آمارهای رسمی در ایران بیشتر بوده است. اینها مسائلی هستند که رئیس سازمان پرستاری که در واقع نهادی دولتی است به استثنای مورد کمبود پرستار نخواست است بطور جدی به بقیه آنها در این مصاحبه بپردازد. او کمبود پرستار را اما تأیید نموده و گفت: "در حال حاضر حدوداً ۱۷۰ هزار تخت بیمارستانی داریم که برای این تعداد تنها ۱۴۰ هزار پرستار مشغول بکار هستند در حالیکه به شکل استاندارد باید به ازای هر تخت بیمارستانی ۵.۲ پرستار به کار گرفته شوند اما اکنون این رقم در کشور ما حدوداً ۰/۹ است". این یعنی تعداد پرستار لازم در ایران حدود یک سوم استاندارد جهانی است. بنا بر این عجیب نیست که هم شمار بیماران جان باخته کرونایی و هم پرستاران جانباخته در ایران از بسیاری از کشورها پیشی گرفته است.

اما مشکلات و مطالبات پرستاران با وجود اینکه در صف مقدم مبارزه با کرونا قرار دارند، محدود به موارد ذکر شده نیست. آنها از هر سو تحت فشار قرار دارند. شمار بزرگی از آنها شرکتی هستند که نه حقوق مکفی می گیرند، نه شرایط کاری و امنیت شغلی مناسبی دارند و نه به موقع دستمزد، کارانه و اضافه کاری شان را می



دهند. بارها هم اعتراض کرده‌اند، بعضا نیز به دلیل اعتراض کارشان را از دست داده و نام‌شان در لیست سیاه کسانی که نباید استخدام‌شان کرد قرار گرفته‌اند. پرستاران رسمی نیز به رغم داشتن اندکی شرایط مزدی بهتر از جهاتی مشکلات مشابهی با شرکتی‌ها دارند. مهمترین مطالبه پرستاران شرکتی استخدام رسمی و مستقیم است که در صورت پذیرفته شدن تغییرات قابل توجهی در شرایط کاری و مزدی آنها بوجود می‌آورد که همچنان از طرف مسئولین دولتی بی‌پاسخ مانده است. دیگر مطالبات پرستاران افزایش حقوق و حق کارانه و پرداخت به موقع و منظم حقوق، کارانه و دستمزد اضافه کاری است که آنها هم برآورده نشده‌اند.

رئیس نظام پرستاری در مورد استخدام رسمی تعدادی از پرستاران، همان وعده‌های سرخرمی ارقام ۳۰ هزار و ۷ هزار دیگر مسئولین دولتی را که تا کنون به عمل در نیامده است تکرار کرده و اظهار امیدواری نموده که عملی شوند.

در خصوص مطالبات به موقع پرداخت نشده پرستاران که بارها پرستاران را به اعتراض خیابانی کشاند نیز گفت: 'در شرایطی که سال قبل معوقات حتی به ۱۸ ماه هم می‌رسید توانستیم با ریزنی‌های صورت گرفته معوقات را به سه تا چهار ماه برسانیم. اگرچه میزان دریافتی‌ها کاهش یافته است اما معوقات به لحاظ تعداد ماه کم شده است'. اگر این حرف وی را درست فرض کنیم، به معنی آن است که تعویق در پرداخت مطالبات مزدی پرستاران هم اکنون با ۴ ماه تاخیر انجام می‌شود. آن هم به قیمت کاهش دریافتی‌ها! که کاهش تاخیر هم البته بیشتر ناشی از اعتراضات خود پرستاران و نیاز شدیدی است که در دوران کرونایی به پرستار وجود دارد.

بدین ترتیب معلوم می‌شود که قرار نیست در وضعیت شغلی، استخدامی و مزدی پرستاران تغییری جدی صورت گیرد و تحفه دولتمردان در روز پرستار برای پرستاران چیزی غیر از تکرار وعده‌های انجام نشده گذشته و مشتی تعارف بی‌هزینه نیست! مگر اینکه خود پرستاران با متشکل شدن در اتحادیه‌های مستقل و ادامه مبارزات‌شان به صورت سازمان یافته اقدام کنند. مزدبگیران هیچ وسیله دیگری به غیر از تشکل و اعتصاب برای دفاع از حقوق‌شان ندارند. روز پرستار بر همه پرستاران زحمتکش و فداکار مبارک باد!



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!





## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

## جنگ کارگری



## کشته و مجروح شدن ۱۵ کارگر در انفجار کوره

انفجار کوره ذوب فلزات در کارخانه "فولاد صنعت پردیس آذربایجان" واقع در منطقه آزاد سلفچگان در ۲۴ آذر موجب کشته و مجروح شدن حداقل ۱۵ کارگر آن شد. ظاهراً بنا به گفته محسن اروجی مدیرکل مدیریت بحران استان قم دلیل حادثه اشکال فنی بوده است. گفتنی است که منطقه سلفچگان یک منطقه آزاد اقتصادی است که در آن بی قانونی کامل حکمروایی می کند. قوانین حمایتی و کار از آن جمله ایمنی و بهداشت محل کار در آنجا رعایت نمی شود و معمولاً هیچ کارفرمایی بخاطر رعایت نکردن قوانین و مقررات ولو اینکه به قیمت جان عده‌ای کارگر تمام شود مورد پیگرد و مواخذه قانونی قرار نمی گیرد. اداره کار منطقه هم هیچ نظارتی بر شرایط شغلی و ایمنی واحدهایی که در این شهرک صنعتی کار می کنند ندارد و در بی خبری کامل به سر می برد. کما اینکه بعد از این حادثه فاجعه بار اداره کار در بدو امر اساساً وقوع انفجار در کارخانه را تکذیب کرده بود! معمولاً مناطق به اصطلاح آزاد در بنادر و مناطق مرزی تشکیل می شوند. معلوم نیست ایجاد منطقه آزاد در قم که شهر مرزی و بندری نیست به چه دلیل ایجاد و از مالیات و رعایت قوانین کار مستثنی شده است؟ بهر حال دلیل این حادثه ربط مستقیمی با همین معافیتها دارد! بهمین جهت تقصیر دولت و حکومت در این فجایع که بنا به آمارهای رسمی نیز تعداد آنها دم به دم فزونی می گیرد، بیشتر از کارفرمایان فرصت طلبی است که بخاطر اندوختن سود مضاعف از ایمن و بهداشتی کردن کارخانه های شان طفره می روند. به نوشته خبرگزاری ایلنا «محسن شجاعی بیرانوند» و «محمد ایمانی» دو کارگر لرستانی کارخانه «ذوب فلزات صنعت پردیس آذربایجان» واقع در شهرک صنعتی سلفچگان قم هستند که حوالی ظهر روز ۲۴ آذر ماه بر اثر انفجار کشته شدند.

## برگزاری تجمعات اعتراضی توسط بازنشستگان در ۱۱ شهر

در ۲۳ آذر هزاران بازنشسته به دعوت تشکلهای مستقل بازنشستگان در ۱۱ شهر کشور به رغم شرایط بد کرونایی در مقابل مجلس، دفاتر تامین اجتماعی و دیگر نهادهای دولتی با برگزاری تجمعات اعتراضی نسبت به عدم افزایش حقوق های بازنشستگان، طفره رفتن دولت و مدیریت تامین اجتماعی از انجام واقعی همسان سازی حقوق بازنشستگی، گرانی و افت خدمات بیمه‌ای و درمانی و تمرد دولت از پرداخت بدهی های کلان اش به تامین



اجتماعی اعتراض نمودند. معترضین به سیاستهای دولت که در شهرهای تهران، تبریز، اراک، خرم آباد، ایلام، مشهد، اصفهان، بجنورد، یزد، رشت و اهواز، مبادرت به تجمع کرده بودند، خواسته های مشترکی داشتند. هزینه ها به دلار حقوق ما به ریال که توسط بازنشستگان در تظاهرات آنها فریاد زده می شد گویای عدم تناسب میان حقوق ها و هزینه های زندگی و وضعیت بد معیشتی و بی توجهی دولت و مجلس نسبت به وضعیت و مطالبات به حق بازنشستگان است. در پایان این اعتراضات خیابانی گسترده، تظاهرکنندگان خواستار افزایش حقوق، اجرای همسان سازی واقعی، بیمه کارآمد و حذف هزینه بیمه تکمیلی، پرداخت بدهی های دولت به تامین اجتماعی و قطع غارت اموال تامین اجتماعی... شدند. در هر حال اگر بنا باشد بهبودی در وضعیت بازنشستگان بوجود آید، تنها از طریق همین اعتراضات گسترده است و لا غیر.

## تجمع اعتراضی کارکنان خدماتی آموزش و پرورش مقابل مجلس

سطح نازل دستمزدها و گرانی فزاینده هزینه های زندگی روز به روز شمار بیشتری از گروه های مختلف مزد و حقوق بگیر را به اعتراض وادار می کند. حتی گروه هایی که معمولاً در گذشته کمتر دست به چنین اعتراضاتی می زدند نیز به اعتراض بر می خیزند. در ۲۵ آذر گروه کثیری از کارکنان خدماتی و سرایه داران آموزش پرورش نیز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و ناچیز بودن دستمزدها و حقوق شان در مقابل مجلس تجمع و از نمایندگان مجلس و دولت خواهان در نظر گرفتن افزایش حقوق شان در لایحه بودجه سال آینده شدند. گفتنی است که دولت قصد ندارد دستمزدها را در سال آینده بیش از ۲۵ درصد افزایش دهد. این در حالی است که تورم نقطه به نقطه بنا با گفته کارشناسان مستقل اقتصادی هم اکنون مرز ۴۶ درصد را گذرانیده است. انتظار هم نمی رود که مجلس با افزایش اسمی بیشتر از ۳۰ درصد دستمزد کارکنان دولت موافقت کند. به همین جهت انتظار می رود که اعتراضات مزدبگیران همچنان ادامه و اشکال جدیدی پیدا کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد نیز در این هفته با تهیه طوماری نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران این شرکت اعتراض نمود. سندیکای واحد در طومار خود همچنین نسبت به وجود تبعیض مزدی میان کارکنان شهرداری و کارگران شرکت واحد، معوق ماندن ۴ درصد حق بیمه جهت بازنشستگی کارهای سخت و زیان آور و مزایای مستمر، اعتراض و خواهان انجام و رعایت آنها گردید. طومار سندیکای واحد را بیش از ۶۰۰ نفر از کارکنان امضا کرده اند.

## اعتصاب کارگران بخش خدمات در هفت تپه

در پی انحلال ناگهانی بخش خدمات و پشتیبانی در هفت تپه، کارگران این بخش که نگران وضعیت شغلی و سوابق کاری خود هستند در ۲۴ آذر اعتصاب کردند. مدیریت کارخانه تا کنون از مذاکره با کارگران اعتصابی که شمار آنها ۱۲۰ نفر ذکر شده خوداری کرده است. نظر به اهمیت و نقشی که بخش پشتیبانی در فراهم کردن نیازهای مختلف کارخانه دارد منحل کردن آن از نظر کارگران سوال برانگیز تلقی شده. مدیریت گفته است کارکنان این بخش را در قسمتهای دیگر کارخانه بکار خواهد گرفت. اما کارگران می گویند پخش آنها در قسمتهای بی ربط با تخصص و تجربه شان آنها را از هر لحاظ دچار بلاتکلیفی می کند. برخی نیز آن را اقدامی انتقام جویانه از کارگران شرکت کننده در اعتصابات هفت تپه می دانند! بهر حال نتیجه این اعتصاب را حمایت کارگران بخشهای دیگر از این اعتصاب در نهایت رقم خواهند زد. به نظر می رسد که مدیریت شرکت چون قادر به مجازات همه



کارگران نیست انتقام جویی قسمت به قسمت را در دستور کارش قرار داده. بهمین جهت اگر بطور یک پارچه و متحدانه با آن برخورد نشود بزودی به بخش های دیگر کارخانه هم تعمیم داده خواهد شد.

## اعتصاب کارگران پتروشیمی مروارید در عسلویه

کارگران شرکت پتروشیمی مروارید نیز در این هفته در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای دو ماه گذشته شان اعتصاب و خواهان پرداخت طلب مزدی و پرداخت منظم و به موقع دستمزدهای خود شدند. مراجعات کارگران به اداره کار و دیگر ادارات دولتی قبل از اعتصاب بی نتیجه بوده‌اند. وقتی که ادارات کار کاری از دستشان بر نمی آید معلوم نیست برای چه بوجود آمده‌اند؟

## اعتراض کارگران شهرداریها در خرمشهر، سبزواری و ایلام

اعتراضات کارگران شهرداری در شهرهای مختلف در این هفته نیز ادامه یافت. کارگران شهرداری خرمشهر در ۲۴ آذر در اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی شان در مقابل فرمانداری این شهر تجمع و خواستار پرداخت طلب مزدی خود و پرداخت منظم و به موقع دستمزدهایشان شدند. در سبزواری نیز کارگران شهرداری نسبت به حقوق های نجومی مدیران شهرداری و دستمزدهای ناچیز خودشان به اعتراض برخاستند.

در حالی که کارگران با مقایسه دستمزدهای خودشان با مدیرانی که تا ۲۶ میلیون تومان حقوق می گیرند، چنین تفاوتی را غیر عادلانه خوانده‌اند، سید علی کوشکی "شهردار" شهر آن را قانونی خوانده است! در واقع هزینه حقوق نجومی بگیران را با کاستن از دستمزد کارگران شهرداری تامین می کنند. یک رابطه علل و معلولی که دیگر مدیران دولتی نیز از آن شرمی به خود راه نمی دهند. کارگران شهرداری در خلخال و بندر امام نیز در ۲۲ آذر در اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی شان تجمع کردند.

## تجمع جوانان بیکار در مقابل فولاد خوزستان

عده کثیری از جوانان بیکار ساکن روستای "قلعه چنعان" از توابع کوت عبدالله در ۲۵ آذر با برگزاری تجمع نسبت به بیکار ماندن طولانی در مقابل کارخانه فولاد خوزستان اعتراض و خواستار استخدام بیکاران بومی و اختصاص سهمی از نیروی کار مورد نیاز این کارخانه به افراد محلی شدند. گفتنی است که تجمع های مشابهی با همین مطالبه از مدتی پیش به این سو در نقاط مختلف خوزستان برگزار شده که مسئولین ذیربط در عمل کاری در این خصوص انجام نداده‌اند. درخواست اختصاص سهمیه اشتغال به مردم منطقه تا قبل از حاد شدن بحران بیکاری سابقه نداشته است. افزایش شدید بیکاری در منطقه و ناتوانایی دولتمردان در ایجاد اشتغال باعث دامن زدن به این خواسته شده است. متأسفانه نظر به وسعت بیکاری به نظر نمی رسد که اختصاص سهمیه هم بتواند موجب جذب شمار قابل توجهی از متقاضیان کار گردد. بخصوص اینکه وضعیت بیکاری در سایر نقاط کشور هم کم و بیش مشابه خوزستان است. کاستن از ابعاد فاجعه بار بیکاری منوط به تغییر و تحول اساسی در همه عرصه های کشور است که مردم و خود بیکاران باید آن را رقم بزنند.



### تجمع کارگران پیمانی مخابرات در تبریز

شمار کثیری از کارگران پیمانی مخابرات در ۲۵ آذر در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و طفره رفتن کارفرما از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در شرکت تجمع کردند. آنگونه که خبرگزاری ایلنا گزارش نموده قرار بوده است که طرح طبقه بندی مطابق توافقی که قبلاً بین کارگران و کارفرما انجام گرفته است از اول مهر در شرکت اجرا شود ولی کارفرما تا کنون از اجرای توافق خودداری نموده. در صورت اجرای طرح طبقه بندی "مطابق قانون" دریافتی کارگران بیشتر می شود و کارفرما دیگر نمی تواند با نادیده گرفتن مهارت فنی و سوابق کار کارگران به همه آنها دستمزد کارگر غیر ماهر را بدهد و از پرداخت حق سنوات به کارگران با سابقه خودداری نماید. کارفرمای قانون شکن قصد دارد با تهدید کارگران معترض به اخراج از اجرای طبقه بندی طفره برود. متأسفانه اخراج کارگر هم برای کارفرماها نه دشوار است و نه خرج زیادی برایشان دارد زیرا که تغییرات ایجاد شده در ماده ۲۷ قانون کار توسط دولت روحانی و هنگام وزارت علی ربیعی عضو همه کاره شورای مرکزی خانه کارگر اجازه اخراج بی قید و شرط کارگر را در اختیار کارفرما قرار داده است. درست بهمین دلیل است که کارگران به نداشتن امنیت شغلی نیز اعتراض دارند.

### تجمع اعتراضی معلمان خرید خدمت مقابل مجلس ارتجاع

صدها تن از معلمان خرید خدمت در اعتراض به ادامه بلاتکلیفی خود در ۲۳ آذر مقابل مجلس تجمع و خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود شدند. تجمع کنندگان که خواسته مشترک ۱۳ هزار نفر از معلمان سراسر کشور را نمایندگی می کنند به نوشته خبرنگار ایلنا خواستار "استخدام خود و یکسان شدن مدل قراردادهای کاری در همه استانها شدند". به گفته معلمان خرید خدمت، حقوق های آنها با وجود نبود تفاوت بین ساعات کاری آنها و معلمان رسمی بسیار اندک و تنها ۱۰ روز از ماه را بیمه هستند. به گفته یکی معلمان معترض ۷ سال است که مسئولین به وضعیت استخدامی شان رسیدگی نکرده اند. به گفته یک معلم دیگر در بعضی استانها حقوق معلمان خرید خدمت ۳۰۰ هزار تومان است. به این ترتیب معلوم می شود که علت بلاتکلیفی آنها دستمزد ناچیزی است که به آنها می دهند. این خود نشان می دهد که نتولیبیرال های دولتی و هم دستان محافظه کارشان در استثمار نیروی کار حد و مرزی برای خودشان قائل نیستند. در این زمینه نیز فرقی بین معلم و کارگر یا پرستار نمی گذارند! ملت از نظر آنها همان یکی دو درصد غاصبان قدرت و ثروت مملکت هستند.

### تجمع رانندگان اتوبوسرانی خصوصی در تهران

جمع بزرگی از رانندگان اتوبوسرانی بخش خصوصی در ۲۲ آذر با برگزاری تجمعی مقابل مرکز فرمانداری تهران نسبت به گرانی لوازم یدکی و بالا رفتن هزینه های اتوبوس ها، کاهش درآمد و پرداخت نشدن یارانه های که قرار بوده به آنها پرداخت شود اعتراض نموده و از فرماندای خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. پرداخت یارانه های لوازم یدکی و پرداخت به موقع بدهی های شهرداری از جمله مطالبات تجمع کنندگان مقابل مرکز فرماندای تهران هستند.



### ادامه واکنشها نسبت به خودکشی "رضا ال کثیر" کارگر اخراجی هفت تپه

واکنشهای اعتراضی نسبت به خودکشی غم انگیز رضا ال کثیر کارگر ۲۴ ساله اخراجی هفت تپه با وجود گذشت یک هفته از خودکشی پر درد و رنج وی همچنان ادامه دارد. انتشار خبر و گزارشهایی که از دلایل خودکشی این جوان آرزومند که در اثر فشار معیشتی و بیکاری و درماندگی از تامین معیشت خانواده‌ای که او یگانه نان آورشان بود بحث‌ها، انتقادات و اعتراضات مختلفی را بر انگیزانده است.

او نان آور اصلی یک خانواده ۱۱ نفره بود که ۴ تن آنها نیز متأسفانه معلول هستند. بدنبال این گزارشات یکی از مدیران هفت تپه رابطه میان خودکشی او و اخراج اش را رد کرده و گفته است این شرکت حاضر است هزینه خاکسپاری رضا را پرداخت کند! این یاوه‌گویی از طرف مدیر هفت تپه در حالی انجام می‌گیرد که وی قبل از اخراج از هفت تپه روحیه خوبی داشته و با دختری نامزد کرده بود.

بعد از اخراج نیز بارها برای بازگشت به سر کارش تلاش کرده بود که با آن موافقت نشده بود.

### اعتراض ۵ تشکل کارگری به بی توجهی به حقوق کارگران و زحمتکشان در برنامه بودجه ۱۴۰۰

سندیکاهای واحد اتوبوسرانی و نیشکر هفت تپه به همراه سه تشکل دیگر در بیانیه مشترکی که در ۲۵ آذر منتشر کردند سبب به بی توجهی به حقوق و مطالبات کارگران، معلمان پرستاران، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان در برنامه بودجه سال آینده اعتراض نموده و خواستار اختصاص بودجه لازم به چند مورد شدند.

اختصاص بودجه برای تامین هزینه واکسن کرونا، آموزش رایگان، بیمه بیکاری برای همه بیکاران، افزایش دستمزد کارگران، معلمان، پرستاران و سایر مزدبگیران افزایش حقوق بازنشستگان و بابت بدهی ۳۲۰ هزار میلیاردی دولت به تامین اجتماعی، مطالباتی هستند که در بیانیه ۵ تشکل کارگری خواستار انجام آنها شده‌اند.

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**[sabosob@gmail.com](mailto:sabosob@gmail.com)**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر**

**ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**

**دولت باید معاش تهی‌دستان و آسیب‌دیدگان کرونا را تامین کند!**